

تحلیل عوامل مؤثر بر نحوه استفاده از تسهیلات بانکی کشاورزی (مورد: شهرستان خوی)

حجت ورمزیاری* - دانشجوی دکتری توسعه کشاورزی، دانشگاه تهران

خلیل کلانتری - دانشیار مدیریت و توسعه کشاورزی، دانشگاه تهران

حسین شعبانعلی فمی - دانشیار مدیریت و توسعه کشاورزی، دانشگاه تهران

دریافت مقاله: ۱۳۸۹/۶/۱

پذیرش نهایی: ۱۳۸۹/۹/۲۰

چکیده

با وجود اینکه اعتبارات رسمی کشاورزی نقش عمده‌ای در تأمین سرمایه مورد نیاز برای توسعه کشاورزی می‌توانند ایفا کنند، ولی شواهد حاکی از آن هستند که بخش زیادی از وام‌های کشاورزی، دچار مخاطرات اخلاقی گردیده‌اند. پژوهش حاضر، براساس الگوی نظری ترکیبی که پژوهشگر طراحی کرده است، در پی بررسی نحوه هزینه‌کرد وام‌های کشاورزی و عوامل مؤثر بر هدایت صحیح آنهاست. نمونه تحقیق (۱۲۰ نفر) از بین جامعه آماری (۴۵۹۲ نفر) شامل کشاورزان شهرستان خوی که در بین سال‌های ۱۳۸۶-۱۳۸۱ حداقل یک بار وام کشاورزی دریافت کرده‌اند، با استفاده از روش طبقه‌ای با انتساب متناسب انتخاب شد. یافته‌های مطالعه نشان داد، تنها ۳۷/۸ درصد از کشاورزان مورد مطالعه، وام دریافتی را به طور کامل در مسیر کشاورزی هدایت کرده‌اند و ۱۸/۴ درصد از آنان کاملاً دچار انحراف گردیده و بقیه وام‌ها نیز تا حدودی در این زمینه دچار انحراف شده‌اند. طبق یافته‌ها، زمین زیرکشت ۹۱ درصد از کشاورزان، ۲ هکتار و کمتر بوده است که نشان‌دهنده خردی شدید اراضی و فراهم نبودن زمینه لازم برای به‌کارگیری سرمایه است. همچنین نتایج تحلیل رگرسیون بیانگر آن است که متغیرهای مبلغ وام پرداختی، تعداد دفعات نظارت کارشناسان بانک بر نحوه مصرف وام و سطح مالکیت اجرایی در سال زراعی ۱۳۸۶-۱۳۸۵، در مجموع، ۶۰ درصد از تغییرات متغیر وابسته میزان مصرف وام‌های کشاورزی در فعالیت‌های کشاورزی را تبیین کرده‌اند.

کلیدواژه‌ها: وام‌های کشاورزی، نظارت کارشناسان، تسهیلات بانکی، مخاطرات اخلاقی.

مقدمه

اعتبارات کشاورزی از انواع اعتبارات هدایت شده هستند که با هدف گسترش و رشد تولیدات کشاورزی به افراد اعطا می‌شوند. اعتبارات، برای توسعه ضروری‌اند و سرمایه مورد نیاز کشاورزان و کارآفرینان برای سرمایه‌گذاری‌های جدید و یا پذیرش فناوری‌های جدید را فراهم می‌سازند (Khandker and Faruquee, 2003, 197). از آنجا که بین تأمین نهاده‌های تولید و تولید محصول، فاصله زمانی وجود دارد، لذا نهاده‌ها باید از طریق اعتبارات رسمی یا غیررسمی تأمین مالی شوند (Gine, 2010, 1). افزایش دسترسی فقیران به اعتبارات، در سال‌های اخیر به عنوان ابزاری برای رشد بهره‌وری و استانداردهای زندگی، به تمرکز سیاستی عمده‌ای در کشورهای در حال توسعه تبدیل شده است (Osborne, 2006, 541-542)، زیرا دسترسی ناکافی به سرمایه، می‌تواند مدیران بنگاه‌های کوچک و غیررسمی را گرفتار تله فقر کند (Mel et al., 2007, 3). دستیابی به اعتبارات، آثار مستقیمی بر رفاه خانوارها و عملکرد شغلی دارد، چرا که اعتبارات می‌توانند با هدف افزایش برابری در مشاغل، مورد استفاده قرار گیرند (Briggeman et al., 2007, 1-2). شومپیتر^۱ (۱۹۱۱) در کتاب نظریه توسعه اقتصادی، تأکید ورزیده است که کارآفرینان به‌منظور تأمین مالی لازم برای پذیرش فنون جدید تولید، نیازمند اعتبارات (Ang, 2008, 39) به‌ویژه اعتبارات بانکی هستند (Bryant, 2001, 75). نتایج مطالعه صدر (۳۶، ۱۳۸۲) در دوره زمانی ۷۲-۱۳۴۰ نشان داد که تسهیلات بانکی در تشکیل و انباشت سرمایه در بخش کشاورزی، بسیار مؤثر است.

با وجود این، شواهد حاکی از آن است که بخش عمده‌ای از کشاورزانی که وام کشاورزی دریافت می‌کنند، آن را در زمینه‌های غیرکشاورزی از قبیل تأمین نیازهای مصرفی و معیشتی، مرمت و احداث ساختمان، پرداخت دیون و بدهی‌های قبلی، مسافرت، فعالیت‌های اقتصادی

1. Schumpeter

غیرکشاورزی و جز آن به مصرف می‌رسانند. به‌طور کلی خروج سرمایه از بخش کشاورزی ایران به زمان نظام ارباب رعیتی برمی‌گردد. بزرگ‌مالکان در بیرون از محیط روستا و در شهر زندگی می‌کردند. این مالکان غایب، غالباً دارای فعالیت‌های اقتصادی دیگری بودند و کشاورزی برای‌شان اهمیت ثانوی داشت (عمید، ۱۹۹۰، ۶۷). در حقیقت، نقدی بودن غالب وام‌ها، سبب ایجاد قابلیت جابه‌جایی و تبدیل‌پذیری آنها می‌شود. قابلیت جابه‌جایی اعتبارات کشاورزی، خود منجر به پدیده «مخاطرات اخلاقی»^۱ می‌شود. مخاطرات اخلاقی زمانی در بازارهای اعتبارات پدید می‌آیند که قرض‌کننده به انجام فعالیت‌هایی که از نظر وام‌دهنده نامطلوب به نظر می‌رسد، سوق یابد (Swinnen and Gow, 1999, 24).

با توجه به اینکه تسهیلات بانکی کشاورزی تخصیص‌یافته به بهره‌برداران، نقش مهمی در شکوفایی کشاورزی دارد، بررسی دیدگاه‌ها و نگرش بهره‌بردارانی که اقدام به دریافت وام کشاورزی کرده‌اند در خصوص مؤلفه‌های مؤثر بر استفاده بهینه تولیدی از تسهیلات مذکور، بسیار ضروری خواهد بود. اهمیت این نوع پژوهش در ایران دوچندان است، چرا که مطالعات داخلی مرتبط با مقوله اعتبارات، بیشتر به بررسی میزان استفاده کشاورزان از اعتبارات پرداخته و عوامل مؤثر بر هدایت صحیح اعتبارات کشاورزی در مسیر تولید را مورد بررسی و آزمون قرار نداده‌اند. پژوهش حاضر در واقع، نگاهی از درون به مقوله اعتبارات کشاورزی و استفاده کشاورزان از تسهیلات کشاورزی دارد. از این رو هدف اصلی این مطالعه، تحلیل عوامل مؤثر بر نحوه هزینه‌کرد تسهیلات بانکی کشاورزی از سوی کشاورزان و تعیین چالش‌ها و راهکارهای مربوط به آن است. نتیجه چنین تحقیقی می‌تواند رهنمودهای مناسبی را در ساماندهی اعطای اعتبارات کشاورزی، به عنوان یکی از مهمترین اشکال اعتبارات روستایی، ارائه دهد و از انحراف هر چه بیشتر آنها جلوگیری کند. البته همان‌طور که ذکر شد، به دلیل اندک بودن مطالعات

1. Moral hazard

نظری مرتبط با موضوع تحقیق و نیز به دلیل ارتباط نحوه مصرف وام و قصور در بازپرداخت آن، پژوهش حاضر به منظور تبیین و تشریح بیشتر موضوع و تدوین چارچوب نظری، علاوه بر نحوه کاربرد اعتبارات، به مطالعه نتایج پژوهش‌های مرتبط با قصور بازپرداخت وام نیز پرداخته است.

مروری بر پیشینه تحقیق

یافته‌های مطالعه‌ای که رشیدی و منصوری (۱۹۷ و ۱۳۸۴) در قالب طرح پژوهشی مؤسسه بین‌المللی توسعه خدمات مالی خرد روستا، در روستاهای مناطق محروم استان‌های آذربایجان شرقی، آذربایجان غربی، اردبیل و کردستان انجام دادند، حاکی از آن است که از نظر نحوه مصرف وام به‌وسیله روستاییان، ۷۴ درصد وام‌های دریافتی از بانک کشاورزی صرف امور تولیدی و کشاورزی گردیده و بقیه در جهت خرید مسکن و سایر نیازهای زندگی مصرف شده است. این در حالی است که وام‌های دریافتی از سایر بانک‌ها، عمدتاً در جهت خرید مسکن و تأمین معاش صرف شده و کمتر به سمت کشاورزی و دامداری سوق یافته است. افراشته (۳۹۶-۳۹۷ و ۱۳۸۲) نیز در پژوهش خود به این نتیجه رسید که ۷۶ درصد وام‌های دریافتی کشاورزی جاری، در مواردی غیر از هدف اولیه مصرف شده‌اند. طبق یافته‌های کریم‌کشته و همکاران (۱۰۶-۱۰۵ و ۱۳۸۳)، زارعان اعتبارات دریافتی از منابع رسمی را بیشتر در مسیر تولید به کار گرفته‌اند، به طوری که حدود ۶۴ درصد نمونه مورد بررسی آنها در امر تولیدات کشاورزی از وام استفاده کرده‌اند. ولی زارعی که از منابع غیررسمی وام دریافت کرده‌اند، بیشتر مبالغ دریافتی را به مصرف نیازهای روزمره و سایر نیازهای خود رسانیده‌اند. مطالعات فالس بوردا^۱ نیز بیانگر آن است که فقط ۱۰ درصد از هزینه زندگی دهقانان متعلق به امور کشاورزی بوده و بقیه به امور مصرفی اختصاص یافته است (ازکیا، ۱۳۸۴، ۱۲۷). در همین زمینه، باقری و نجفی (۷۱،

1.Fals Borda

۱۳۸۲)، یکی از موارد هزینه‌کرد وام‌های جاری دریافتی از بانک کشاورزی را تخصیص آن به مصارف روزمره زندگی و مخارج خانوار ذکر کرده‌اند.

از آنجا که پژوهش تجربی چندانی در خصوص موضوع تحقیق صورت نگرفته است، و نیز با توجه به ارتباط نحوه مصرف وام و میزان قصور در بازپرداخت آن، در ادامه، عوامل مؤثر بر قصور بررسی می‌شود و در نهایت چارچوب نظری تدوین می‌گردد. نتایج مطالعه میدانی باقری و نجفی (۷۵-۷۴ و ۱۳۸۲) در میان کشاورزان استان فارس نشان داد که نوع فعالیتی که به‌وسیله وام انجام می‌شود، تأثیر منفی در سطح ۵ درصد بر احتمال عدم بازپرداخت وام دارد. به عبارت دیگر، زارعی که وام‌های سرمایه‌ای گرفته‌اند و وام‌های‌شان را صرف فعالیت‌های درآمدزا کرده‌اند، در بازپرداخت وام موفقیت بیشتری داشته‌اند. از سوی دیگر وام‌های جاری که هزینه‌های جاری را تأمین کرده‌اند، توانایی بازپرداخت وام‌گیرندگان را کاهش داده‌اند. سطح زیرکشت محصولات نیز تأثیر مثبت در سطح ۱۰ درصد، بر بازپرداخت اعتبارات داشته است. نسبت درآمد مزرعه‌ای به درآمد کل نیز، تأثیر منفی در سطح یک درصد، بر نرخ عدم بازپرداخت اعتبارات داشته است. بر همین اساس، تأثیر منفی درآمد مزرعه‌ای و خارج از مزرعه، سطح تحصیلات، و نظارت کارشناسان بانک بر مصرف وام، بر عدم بازپرداخت اعتبارات در سطح ۵ درصد به تأیید رسید. همچنین زیبایی (۱۳۸۲ و ۱۵۷) در یافته‌های پژوهش خود، «عدم آموزش کافی کشاورزان به‌وسیله کارشناسان ذی‌ربط» را از جمله عوامل مؤثر در بی‌ثمر شدن طرح‌های سامانه آبیاری تحت فشار که کشاورزان از طریق اخذ وام، اقدام به راه‌اندازی آنها کرده بودند، برشمرده است.

بخشی (۹۰-۸۸ و ۱۳۷۸) براساس مطالعه خود، نتیجه گرفته است که زارعان دارای سطح تحصیلات بالاتر، تمایل بالایی به استفاده از اعتبارات در اموری غیر از فعالیت مورد نظر دارند. وی در نهایت با توجه به سابقه اندک مطالعات در زمینه عوامل مؤثر بر بازپرداخت وام از سوی کشاورزان، پیشنهاد انجام مطالعات مشابه بیشتر را به منظور استخراج راهکارهای عملی ارائه کرده است. سطح تحصیلات، دوره عضویت در بانک، سطح زیرکشت و تنوع منابع درآمدی

زارعان، ریسک‌گریزی کشاورزان به همراه نبود برنامه‌های پشتیبانی‌کننده در برابر ریسک، عدم تحقیق در مورد دریافت‌کنندگان اعتبارات، میزان سوددهی فعالیت‌های کشاورزی، و تعداد دفعات نظارت، از دیگر عواملی هستند که بر نرخ بازپرداخت وام تأثیر می‌گذارند (Matin, 1997؛ Von Pischke et al., 1998؛ Kashuliza; 1992 به نقل از همان: ۲۹-۳۱).

چارچوب نظری

به طور کلی می‌توان عوامل ذیل را در نحوه مصرف وام مؤثر دانست:

۱. **درآمدزایی فعالیت کشاورزی:** هر چه سوددهی فعالیت تولیدی در اثر دسترسی به بازار، دسترسی بموقع به نهاده‌ها، دسترسی به خدمات ترویجی و آموزشی بیشتر باشد، گیرنده وام کشاورزی، رضایت بیشتری از تولید پیدا می‌کند، که این خود انگیزه مضاعفی را برای مصرف وام در فعالیت‌های تولیدی فراهم می‌آورد.
۲. **فاصله با شهر:** این متغیر نیز اثر دوگانه‌ای بر متغیر وابسته تحقیق، بر جای می‌گذارد. هر چه دسترسی تولیدکننده به شهر بیشتر و فاصله روستا با شهر کمتر باشد، امکان تأمین نهاده‌ها و نیز عرضه بموقع تولیدات به بازارهای شهری بیشتر می‌شود و لذا بهره‌بردار، انگیزه بیشتری برای تولید می‌یابد. از سوی دیگر، تقویت ارتباط بین بهره‌برداران - به‌ویژه کشاورزان خرده‌پا با سلف‌خران، دلالت و واسطه‌های شهری - می‌تواند به استثمر هر چه بیشتر آنان بینجامد. مشاهدات حاکی از آن است که واسطه‌های شهری که معمولاً دارای قدرت نفوذ بر کشاورزان خرده‌پا هستند، با کشاورزان فقیر هماهنگی می‌کنند و وام‌های کشاورزی را که دارای شرایط خوبی هستند با دادن مبلغی به عنوان هدیه و ... به دهقانان، به دست می‌آورند و آن را وارد بازارهای واسطه‌گری شهری می‌کنند.
۳. **سطح تجربه:** هر چه تجربه فرد در انجام فعالیت کشاورزی بیشتر باشد، امکان استفاده اقتصادی و سودده، از اعتبارات در بخش کشاورزی افزایش می‌یابد. از آنجا که غالب

کشاورزان کشور از خردسالی مشغول کشاورزی می‌شوند، لذا متغیر سن می‌تواند نمایانگر سطح تجربه هم باشد.

۴. **سطح زیر کشت:** بررسی‌ها نشان می‌دهد که بالاتر بودن سطح زیر کشت، زمینه مناسبی را برای تخصیص بهینه سرمایه و استفاده کارآمد از آن در مزرعه فراهم می‌سازد. از آنجا که مزارع بزرگ، به دلیل استفاده بهینه از فناوری و دانش تخصصی، دارای درآمدهای بیشتری هستند، لذا با افزایش سطح زیر کشت، وام‌گیرنده، رغبت بیشتری به استفاده مولد از وام‌های کشاورزی خواهد داشت. البته از آنجا که معمولاً نوع کشت در مزارع وسیع یکدست و دارای تنوع کمتری است، خسارت‌های طبیعی می‌توانند به افت ناگهانی درآمد منجر شوند. بنابراین متغیر سطح زیر کشت نیز اثر دوگانه‌ای می‌تواند داشته باشد.

۵. **درآمد خارج از مزرعه:** هر چند وجود مشاغل غیرکشاورزی و چندشغلی روستایی^۱ موضوع جدید و مفیدی در اشتغالزایی روستایی و در عین حال، افزایش بهره‌وری کشاورزی است و سبب افزایش درآمد کل کشاورزی و افزایش احتمال بازپرداخت وام می‌شود، ولی از سوی دیگر، احتمال هدایت اعتبارات کشاورزی به کارهای غیرتولیدی را افزایش می‌دهد. به خصوص در شرایطی که فعالیت کشاورزی، سود چندانی برای فرد نداشته باشد، اعطای اعتبارات می‌تواند از گذار شغلی بهره‌بردار از کشاورزی به مشاغل غیرکشاورزی، حمایت کند.

۶. **مبلغ وام:** به نظر می‌رسد چنانچه میزان تسهیلات کمتر از حد لازم برای سرمایه‌گذاری تولیدی باشد، یا کشاورزان محروم و کم‌منبع^۲ علاقه و توان لازم برای

1. Rural Pluriactivity

2. Resource-poor

سرمایه‌گذاری تولیدی را نداشته باشند و از سوی دیگر چنانچه میزان وام، بیش از ظرفیت اشتغال‌زایی بهره‌بردار باشد، وی حاضر به صرف تمامی مبلغ وام در فعالیت پرریسک کشاورزی نخواهد بود. بنابراین ممکن است اعتباراتی که فراتر از توان و ظرفیت بهره‌برداری هستند، از بخش تولید که دارای ریسک فراوانی است، خارج گردد.

۷. **نرخ کارمزد:** نرخ کارمزد، درصدی از اعتبار دریافتی است که زارع باید علاوه بر اصل وام، آن را نیز به بانک پرداخت کند. ارتباط بین این متغیر با متغیر وابسته تحقیق باید مورد آزمون قرار گیرد.

۸. **نوع وام:** همان‌طور که نتایج مطالعه‌های دیگر نشان داد، نوع وام (سرمایه‌ای و جاری) در میزان استفاده تولیدی از اعتبارات کشاورزی مؤثر است. به طور کلی، تسهیلات بانکی بر حسب کارکردشان به دو گروه عمده تقسیم می‌شوند. الف) تسهیلات جاری که به منظور رفع نیاز واحدهای تولیدی کوچک به سرمایه در گردش و یاری به روستاییان در جهت تأمین هزینه‌های تولیدی در مورد نیاز ایشان و با هدف فعال‌سازی واحدهای تولیدی اعطا می‌شوند. این اعتبارات به صورت کوتاه‌مدت پرداخت می‌شوند و در مدت کمتر از دو سال بازپرداخت می‌شوند. ب) تسهیلات سرمایه‌ای که با هدف ایجاد ظرفیت‌های جدید، حفظ و توسعه ظرفیت‌های فعلی و انجام سایر امور زیربنایی در بخش کشاورزی پرداخت می‌شوند که اغلب به صورت تسهیلات میان‌مدت و بلندمدت ارائه می‌گردند و زمان بازپرداخت آنها بین ۲ تا ۱۰ سال و یا بیشتر است (بخشی، ۱۳۷۸، ۱۷).

۹. **نظارت مستمر بانک بر نحوه مصرف اعتبارات:** ارتباط مثبتی بین این متغیر و میزان استفاده تولیدی از وام وجود دارد.

کلیه متغیرها و عوامل ذکر شده در شکل ۱ بیان گردیده است.



شکل ۱. چارچوب نظری تحقیق

روش‌شناسی

پژوهش حاضر، از لحاظ هدف تحقیق کاربردی، از نظر درجه نظارت و کنترل از نوع میدانی و به لحاظ تجزیه و تحلیل داده‌ها از نوع علی رابطه‌ای است. متغیر وابسته تحقیق «میزان هزینه‌کرد وام‌های کشاورزی در بخش کشاورزی به‌وسیله کشاورزان» است که با توجه به اظهارات کشاورز تعیین شده است. متغیرهای مستقل نیز شامل اینهاست: سن، فاصله روستا تا نزدیک‌ترین شهر، نرخ سود، وام، مدت بازپرداخت وام، مالکیت اجرایی^۱ در سال زراعی ۸۶-۱۳۸۵، تنوع درون

۱. مالکیت اجرایی به این شکل محاسبه گردید: (میزان زمین تحت مالکیت فرد + زمین اجاره گرفته شده + زمین سهمیم شده) - (زمین اجاره داده شده + زمین رها شده)

کشاورزی، نگرش بهره‌برداران به کشاورزی، تعداد دفعات نظارت پس از اعطای وام از سوی کارشناسان بانک، مبلغ وام پرداختی، سطح اراضی آبی زیرکشت، وضعیت اقتصادی تولیدکننده و دسترسی به عوامل تولید. ابزار جمع‌آوری اطلاعات، پرسشنامه است که براساس مبانی نظری مستخرج از منابع کتابخانه‌ای و تجارب عینی طراحی شد. اعتبار محتوایی با نظرخواهی از استادان، متخصصان و انجام پیش‌آزمون از روستاییان (با استفاده از پرسشنامه اولیه، پیش از انجام مصاحبه با ۳۰ نفر برای تخمین حجم نمونه) بررسی گردید و اصلاحات لازم اعمال شد. به منظور تعیین پایایی مقیاس‌ها (که به صورت طیف لیکرت طراحی شده بود) از آزمون آلفای کرونباخ استفاده گردید. پایایی مقیاس نگرش بهره‌بردار نسبت به کشاورزی (شامل ۸ گویه)، ۰/۷۰ و مقیاس وضعیت اقتصادی کشاورزی (شامل ۵ گویه)، ۰/۷۱ تعیین گردید. نمونه مورد مطالعه از بین جامعه آماری (با حجم ۴۵۹۲ نفر) انتخاب گردید و شامل کشاورزان شهرستان خوی است که در بین سال‌های ۱۳۸۶-۱۳۸۱ حداقل یک بار وام کشاورزی دریافت کرده‌اند. در این پژوهش، نمونه‌گیری به روش طبقه‌ای با انتساب متناسب، براساس سهم هر یک از بخش‌های شهرستان از کل جمعیت روستایی صورت پذیرفت که البته با توجه به شرایط محلی، تعدیل‌های اندکی در سهم هر یک از بخش‌ها ایجاد شد. براساس فرمول کوکران، حجم نمونه ۷۷ نفر برآورد شد که به منظور افزایش دقت و صحت نتایج، این میزان، با نظر کارشناسان به ۱۲۰ نفر افزایش یافت. در نهایت ۱۲۰ پرسشنامه تکمیل گردید و با استفاده از نرم‌افزار SPSS مورد تجزیه و تحلیل آماری قرار گرفت.

یافته‌ها

نتایج حاصل از توصیف ویژگی‌های نمونه مورد مطالعه نشان داد که میانگین سنی آنها ۴۵ سال بوده و سهم گروه سنی مسن (در حدود ۲۱ درصد)، ۳/۶ برابر سهم گروه سنی جوان (در حدود ۴ درصد) بوده است. بیشتر کشاورزان (۴۷/۹ درصد) بی‌سواد یا دارای سواد ابتدایی و غیررسمی بوده‌اند و تنها ۲/۵ درصد و ۵/۱ درصد آنان به ترتیب دارای تحصیلات دانشگاهی کشاورزی و

غیرکشاورزی بودند. با توجه به اینکه کشاورزان دارای سطح زیرکشت کمتر از ۲ هکتار، قشر خرده‌پا محسوب می‌شوند (ازکیا، ۱۳۸۴)، ۱۲/۵ درصد از کشاورزانی که وام کشاورزی دریافت کرده‌اند، خرده‌پا بودند. میانگین اراضی زیر کشت کشاورزان در منطقه مورد مطالعه ۴/۲۶ هکتار بود. به منظور ترسیم تصویر دقیق‌تر از وضعیت خردی اراضی کشاورزی، شاخص خردی زمین نیز محاسبه گردید، به طوری که سطح زیر کشت هر یک از کشاورزان بر تعداد قطعات تحت کشت وی تقسیم شد تا میزان زمین به ازای هر قطعه زمین محاسبه گردد. نتایج به‌دست آمده در چهار گروه طبق جدول ۱ طبقه‌بندی گردید. همان‌طور که مشاهده می‌شود، به طور متوسط، مساحت هر قطعه زمین کشاورزان، ۱/۳۵ هکتار است. از سوی دیگر، هر قطعه زمین نزدیک به ۵۰ درصد از کشاورزان، ۱ هکتار و کمتر مساحت داشته است که میزان بسیار پایینی به شمار می‌آید. در مجموع، در طول سال زراعی ۱۳۸۶-۱۳۸۵، هر قطعه زمین زیر کشت ۹۰/۹ درصد کشاورزان، ۲ هکتار و کمتر بوده است.

جدول ۱. توزیع فراوانی پاسخگویان برحسب شاخص خردی قطعات متوسط زمین (بر حسب هکتار) به ازای هر قطعه

میزان اراضی زیر کشت	فراوانی	درصد	درصد معتبر	درصد تجمعی
۰/۵ تا ۱ هکتار	۴۸	۴۰	۴۸/۵	۴۸/۵
۱/۰۱ تا ۲ هکتار	۴۲	۳۵	۴۲/۴	۹۰/۹
۲/۰۱ تا ۵ هکتار	۸	۶/۷	۸/۱	۹۹
۵/۰۱ تا ۷ هکتار	۱	۰/۸	۱	۱۰۰
بدون پاسخ	۲۱	۱۷/۵	-	-
جمع کل	۱۲۰	۱۰۰	۱۰۰	

میانگین: ۱/۳۵ هکتار حداقل: ۰/۵ هکتار حداکثر: ۷ هکتار انحراف معیار: ۰/۸۶ هکتار

نتایج اندازه‌گیری مقیاس وضعیت اقتصادی تولید بیانگر آن است که ۴۴/۸ درصد از کشاورزانی که اقدام به دریافت وام کرده بودند، از وضعیت اقتصادی بسیار نامطلوب و نامطلوبی برخوردار بوده و تنها ۵/۷ درصد از پاسخگویان وضعیت اقتصادی مطلوبی داشته است. ۴۹/۴ درصد از کشاورزان نیز وضعیت متوسطی داشتند. این موضوع ناشی از اثربخش نبودن بیمه

حجت ورمزیاری و همکاران تحلیل عوامل مؤثر بر نحوه استفاده از تسهیلات بانکی کشاورزی

محصولات، قیمت بالای خرید نهاده‌ها، و قیمت پایین فروش محصولات است. در ادامه به منظور سنجش دقیق‌تر و جامع‌تر نگرش افراد نسبت به کشاورزی، مقیاسی با ترکیب ۸ گویه، شرح و بسط داده شد. طبق یافته‌های تحقیق، تنها ۱۳/۳ درصد از کشاورزان وام‌گیرنده وابستگی زیادی به کشاورزی احساس کرده‌اند. نگرش ۶۰/۸ درصد آنان به کشاورزی منفی و وابستگی ۲۵/۸ درصد از آنان به کشاورزی در حد متوسطی قرار داشت.

حجم اعتبارات رسمی کشاورزی دریافت شده

اطلاعات مربوط به وام‌های کشاورزی دریافت شده در نمونه مورد تحقیق نشان می‌دهد که هر یک از کشاورزان مورد مطالعه به طور متوسط، ۴/۵۸ میلیون تومان وام کشاورزی دریافت کرده‌اند. بیشترین مبلغ وام (۳۵/۱ میلیون تومان) مربوط به کشاورزی است که وام خرید کمباین دریافت کرده است. مبالغ وام دریافتی ۸۴/۲ درصد از کشاورزان، ۷/۵ میلیون تومان و کمتر بوده است و تنها ۵/۳ درصد از آنان توانسته‌اند وام بیش از ۱۵ میلیون تومان دریافت کنند (جدول ۲).

جدول ۲. توزیع فراوانی پاسخگویان برحسب میزان وام دریافت شده، براساس قیمت‌های ۱۳۸۶

مبلغ وام (میلیون تومان)	فراوانی	درصد	درصد معتبر	درصد تجمعی
۰ تا ۷/۵	۹۶	۸۰/۰	۸۴/۲	۸۴/۲
۷/۵ تا ۱۵	۱۲	۱۰/۰	۱۰/۵	۹۴/۷
۱۵ تا ۲۲/۵	۲	۱/۷	۱/۸	۹۶/۵
۲۲/۵ تا ۳۰	۳	۲/۵	۲/۶	۹۹/۱
۳۰ تا ۳۷/۵	۱	۰/۸	۰/۹	۱۰۰
بدون پاسخ	۶	۵	-	-
مجموع	۱۲۰	۱۰۰	۱۰۰	-

حداقل: ۰/۱۸ میلیون تومان حداکثر: ۳۵/۱ میلیون تومان میانگین: ۴/۵۸ میلیون تومان انحراف معیار: ۵/۶۷

بررسی نوع وام‌های کشاورزی دریافت شده نشان داد که بیشتر وام‌های کشاورزی دریافت شده (۶۲/۵ درصد)، از نوع وام خرید نهاده‌های کشاورزی بوده‌اند که جزو وام‌های جاری - که

قابلیت جابه‌جایی بالایی دارند - به‌شمار می‌آید. و معمولاً مقادیر آنها از مقادیر وام‌های سرمایه‌ای، کمتر است. ۱۶/۷ درصد وام خرید دام، ۷/۵ درصد وام خرید ماشین‌آلات کشاورزی، ۶/۷ درصد وام ساخت جایگاه دامی، ۲/۵ درصد وام احداث باغ و کشت بادام، ۱/۷ درصد وام خوداشتغالی، ۱/۷ درصد وام زنبورداری و ۰/۸ درصد وام خشکسالی بوده است (جدول ۳).

جدول ۳. توزیع فراوانی پاسخگویان برحسب نوع وام کشاورزی اخذ شده

نوع وام کشاورزی	فراوانی	درصد	درصد تجمعی
خرید ماشین‌آلات کشاورزی	۹	۷/۵	۷/۵
خرید نهاده‌های کشاورزی (جاری)	۷۵	۶۲/۵	۷۰/۰
زنبورداری	۲	۱/۷	۷۱/۷
خشکسالی	۱	۰/۸	۷۲/۵
خرید دام	۲۰	۱۶/۷	۸۹/۲
ساخت جایگاه دامی	۸	۶/۷	۹۵/۸
خوداشتغالی	۲	۱/۷	۹۷/۵
احداث باغ و کشت بادام	۳	۲/۵	۱۰۰/۰
مجموع	۱۲۰	۱۰۰	-

همچنین طبق یافته‌های پژوهش، مدت بازپرداخت ۷۱/۳ درصد وام‌های دریافت شده، بین ۶ تا ۱۲ ماه بوده است. به‌طور متوسط، مدت بازپرداخت هر وام کشاورزی، در حدود ۲۳ ماه بوده است. از سوی دیگر، تنها سود ۹/۵ درصد از وام‌های دریافت شده، تکریمی بوده است. نرخ سود ۸۲/۸ درصد از وام‌های کشاورزی بین ۹/۱ تا ۲۰ درصد بوده و ۶/۹ درصد نیز بین ۲۰/۱ تا ۳۰ درصد و یک مورد نیز بین ۳۰/۱ تا ۴۰ درصد گزارش شده است. متوسط نرخ سودی که از تولیدکننده دریافت شده است، ۱۴/۰۸ درصد بوده است. مشاهدات عینی پژوهشگران این تحقیق، حاکی از افزایش هزینه وام و کاهش درآمد حاصل از وام برای کشاورزان در نتیجه نرخ سود بالای وام‌ها بوده است. در مورد نحوه استفاده از وام کشاورزی، ۱۸/۴ درصد از کشاورزانی که اقدام به دریافت

تسهیلات بانکی کشاورزی کرده‌اند، اظهار داشته‌اند که تمامی مبالغ دریافتی را به مصارف غیرکشاورزی تخصیص داده و به شدت دچار مخاطرات اخلاقی گردیده‌اند و تنها ۳۷/۸ درصد از آنان وام را به طور کامل در مسیر کشاورزی هدایت کرده‌اند. همچنین ۱۵/۳ درصد کشاورزان مذکور، به میزان کم و خیلی کم، وام‌های‌شان را در امر کشاورزی سرمایه‌گذاری کرده و ۲۸/۶ درصد از کل افراد مورد مطالعه نیز اظهار داشته‌اند که بخش عمده وام (زیاد و خیلی زیاد) را به کشاورزی اختصاص داده‌اند. البته به نظر می‌رسد به دلیل حساسیت موضوع تحقیق و محافظه‌کاری کشاورزانی که دچار مخاطرات اخلاقی شدیدی شده بودند و خودداری آنان از پاسخگویی و مشارکت در تحقیق، میزان انحراف بیش از این باشد. به طور کلی بررسی‌ها نشان می‌دهد، مبلغ ۳۰۴/۴۹ میلیون تومان وام (به قیمت سال ۱۳۸۶) به‌وسیله ۹۸ نفر بهره‌بردار، در بخش کشاورزی مصرف گردیده است که متوسط این مبلغ به‌ازای هر نفر، ۳/۱۱ میلیون تومان بوده است.

شرایط اعطای تسهیلات بانکی کشاورزی

بی‌شک لازمه پرداخت هر نوع وامی، احراز صلاحیت‌های مهم از سوی وام‌دهنده است. میزان بررسی صلاحیت‌های مذکور و کارایی ابزارهای مرتبط با آن، نقش مهمی در کاهش مخاطرات اخلاقی وام، ریسک وام و سایر چالش‌های مرتبط خواهد داشت. با توجه به اهمیت این موضوع، در تحقیق حاضر مهم‌ترین ملاک‌های مطرح در زمینه اعطای وام بر مبنای مطالعات پیشین استخراج گردید و توجه یا عدم توجه به آنها از بهره‌برداران و کارشناسان تسهیلات پرسیده شد. طبق یافته‌ها، ۹۵/۸ درصد از کشاورزان اظهار داشته‌اند که کارشناسان بانک، در موقع اعطای تسهیلات به سوابق شغلی آنان توجه کرده‌اند. ۹۹/۲ درصد وام‌گیرندگان تأکید ورزیده‌اند که سوابق بانکی یکی از مهم‌ترین ملاک‌هایی است که در اعطا یا عدم اعطای وام‌های کشاورزی و حتی در تعیین حجم وام مؤثر است و از سوی کارشناسان تسهیلات مورد توجه قرار می‌گیرد. در واقع کارشناسان بانک، بر مبنای معدل حساب بانکی فعال فرد متقاضی و نیز بر مبنای برآورد

هزینه عملیات کشاورزی، به وی وام می‌دهند. البته لازم به ذکر است که در وام‌های سرمایه‌ای از قبیل وام بنگاه‌های زودبازده، عوامل دیگری همچون پتانسیل افراد برای میزان دریافت وام نیز به نوعی در تعیین حجم وام و اعطا یا عدم آن، مؤثرند. ۹۷/۵ درصد کشاورزان اظهار داشته‌اند که مدرک تحصیلی آنان به هنگام دریافت وام مورد توجه قرار نگرفته است. همچنین تنها ۵/۸ درصد کشاورزانی که موفق به دریافت وام کشاورزی شده بودند (۷ نفر)، بیان داشته‌اند که توانمندی‌های آنان در زمینه مدیریت تولید از سوی کارگزاران وام مورد بررسی قرار گرفته است. این در حالی است که مدیریت خوب مزرعه یکی از شرایط اولیه برای استفاده مؤثر از وام کشاورزی، به‌ویژه وام‌هایی است که با منظور و هدف خاصی تخصیص می‌یابند.

۹۸/۳ درصد از کشاورزان نیز ابراز داشته‌اند که توان مدیریت مالی آنان از سوی وام‌دهندگان مورد توجه قرار می‌گیرد؛ به این ترتیب که منظم بودن فرد در بازپرداخت اقساط قبلی و سوابق فرد، به عنوان امتیازی مثبت در اعطای وام مورد توجه قرار می‌گیرد. ۸۷/۴ درصد از بهره‌برداران نیز بدون ارائه طرح پیشنهادی خاص به بانک، وام کشاورزی دریافت کرده‌اند. ۹۵ درصد وام‌گیرندگان نیز تأکید کرده‌اند که خصوصیات و ویژگی‌های شخصی آنان از قبیل صداقت، علاقه به فعالیت مورد نظر وام، سطح مهارتی و مانند اینها، به طور منسجم و نظام‌مند، مورد توجه و اهمیت کارگزاران وام کشاورزی نبوده است. ۹۳/۲ درصد از افراد نیز تصریح داشته‌اند که کارشناسان بانک به هنگام اعطای وام کشاورزی، هیچ توجهی به عضویت و یا عدم عضویت آنان در تشکل خاص نداشته‌اند.

در ادامه مطالعه، میزان نظارت بعد از اعطای وام تعیین گردید. به طور کلی، ۷۱/۲ درصد از کشاورزانی که موفق به دریافت وام کشاورزی شده بودند، اظهار داشتند که هیچ نوع نظارت بعدی در مورد نحوه استفاده از وام کشاورزی صورت نپذیرفته است. ۹/۶ درصد از وام‌ها فقط یک بار، ۱۶/۳ درصد از وام‌ها یک تا سه بار، ۱/۹ درصد از آنها سه تا هفت بار و ۱ درصد وام‌ها (یک مورد) ۷ تا ۱۰ بار مشمول نظارت‌های بعدی قرار گرفته‌اند. در مجموع، هر وام به طور متوسط حتی یک بار نیز تحت نظارت قرار نگرفته است. میزان بالای شاخص ضریب تغییرات (۲/۰۷)

ناشی از یک مورد وام زنبورداری است که تعداد دفعات نظارت صورت گرفته بر روی آن، ۱۰ بار بوده است. البته از آنجا که معمولاً وام‌های کشاورزی که با هدف تحقق طرح یا خرید کالاهای سرمایه‌ای خاصی مانند خرید گاو شیری و مانند اینها اعطا می‌شوند، بیشتر مشمول نظارت قرار می‌گیرند. از این رو با هدف ارائه تصویری واقعی‌تر از میزان نظارت‌های ضروری، در ادامه مطالعه، تنها وام‌های مذکور وارد تجزیه و تحلیل شدند. نتایج حاکی از آن است که هیچ نوع نظارتی بر نحوه استفاده از ۲۶/۵ درصد از وام‌های کشاورزی خاص صورت نگرفته است. ۲۰/۶ درصد از وام‌ها فقط یک بار، ۴۴/۱ درصد از وام‌ها یک تا سه بار، ۵/۹ درصد از آنها سه تا هفت بار و ۲/۹ درصد وام‌ها (یک مورد)، ۷ تا ۱۰ بار مشمول نظارت‌های بعدی قرار گرفته‌اند. همچنین هر یک از وام‌ها به طور متوسط نزدیک به ۲ بار تحت نظارت واقع شده‌اند.

قابلیت تأمین خدمات و نهاده‌های مکمل، از جمله عواملی است که بر استفاده مؤثر و مناسب از وام، در فعالیت خاص مورد نظر آن تأثیر بسزایی دارد. به عنوان نمونه در دسترس نبودن تعمیرکار تراکتور، عدم تأمین کنسانتره دام و مواردی نظیر آن، سبب کاهش بهره‌وری سرمایه می‌شود. نتایج تحقیق حاضر، بیانگر آن است که تنها ۲۵ درصد از کشاورزانی که اقدام به دریافت وام کشاورزی خاص کرده بودند، اعتقاد داشتند که میزان بهره‌مندی از خدمات و کالاهای مکمل در حد خوبی بوده است. ۱۳/۶۳ درصد اصلاً از چنین مزایایی بهره‌مند نشده و ۲۷/۲۷ درصد از آنان نیز دارای دسترسی کم و خیلی کم و دسترسی مابقی نیز در حد متوسط بوده است. از سوی دیگر، با وجود نقش حمایتی مهمی که می‌توان برای تشکل‌های روستایی از قبیل تعاونی تولید، اتحادیه دامداران، تعاونی روستایی و مانند آن در زمینه استفاده مؤثر از وام کشاورزی متصور شد، نتایج تحقیق حاضر نشان می‌دهد که تنها ۵/۶ درصد از کشاورزانی که اقدام به دریافت وام کشاورزی کرده بودند، بیان داشته‌اند. که خدمات و کالاهای مرتبط با تسهیلات دریافتی را از طریق تشکل‌های روستایی دریافت کرده‌اند، این در حالی است که ۹۴/۴ درصد از آنان فاقد چنین امکانی بوده‌اند. به طور مشابهی تنها ۱۳/۳ درصد از کشاورزانی که اقدام به دریافت وام کشاورزی خاص کرده بودند، خدمات و کالاهای مرتبط با تسهیلات

دریافتی را از طریق تشکل‌های روستایی به دست آورده‌اند، این در حالی است که ۸۳/۸ درصد از آنان فاقد چنین امکانی بوده‌اند.

عوامل مؤثر بر میزان هزینه‌کرد وام‌های کشاورزی در بخش کشاورزی

همان‌طور که ذکر شد، یکی از عوامل تعیین‌کننده میزان انحراف وام‌های کشاورزی، نوع وام است. وام‌های کشاورزی به دو شکل جاری یا سرمایه‌ای (خاص) به کشاورزان پرداخت شده بودند. نتایج آزمون مقایسه میانگین t حاکی از آن است که تفاوت معنی‌داری در سطح یک درصد، بین کشاورزانی که از تسهیلات کشاورزی جاری استفاده کرده‌اند با بهره‌بردارانی که تسهیلات سرمایه‌ای دریافت کرده‌اند، در خصوص میزان استفاده از وام‌های کشاورزی در بخش کشاورزی وجود داشته است؛ به طوری که وام‌های جاری بیشتر از وام‌های سرمایه‌ای دچار مخاطرات اخلاقی گردیده‌اند (جدول ۴).

جدول ۴. مقایسه سطح استفاده از وام کشاورزی در بخش کشاورزی،
براساس متغیرهای گروه‌بندی مختلف

متغیر وابسته	متغیر گروه‌بندی	گروه‌ها	میانگین (نمره)	انحراف معیار	t	سطح معنی‌داری
میزان استفاده از وام کشاورزی، در بخش کشاورزی	نوع وام کشاورزی (جاری یا سرمایه‌ای)	جاری	۱/۲۳	۱/۱۷	۵/۵۰	۰/۰۰۰*
		سرمایه‌ای (خاص)	۶/۰۸	۶/۸۸		

* معنی‌داری در سطح یک درصد
منبع: یافته‌های تحقیق

در بخش نهایی مطالعه، در ابتدا به منظور بررسی رابطه بین برخی از مقیاس‌ها و متغیرهای پارامتری با متغیر «میزان هزینه‌کرد وام دریافتی، در بخش کشاورزی» از ضریب همبستگی پیرسون استفاده شد. براساس نتایج این آزمون، رابطه مثبتی بین متغیر وابسته تحقیق با

حجت ورمزیاری و همکاران ————— تحلیل عوامل مؤثر بر نحوه استفاده از تسهیلات بانکی کشاورزی

متغیرهای «مبلغ وام پرداختی»، «تعداد دفعات نظارت کارشناسان بانک بر نحوه مصرف وام»، «مدت بازپرداخت وام»، «فاصله روستا تا مرکز شهرستان»، «سطح مالکیت اجرایی» و «سطح کل اراضی تحت مالکیت»، در سطح معنی داری یک درصد و با متغیرهای «سطح اراضی آبی زیر کشت» و «تعداد مراجعه مروجان به واحد تولیدی پس از دریافت وام از سوی کشاورز» در سطح ۵ درصد وجود داشت (جدول ۵).

جدول ۵. رابطه بین متغیر «میزان هزینه کرد وام دریافتی، در بخش کشاورزی» با برخی از متغیرها و مقیاس های دیگر، براساس ضریب همبستگی پیرسون

متغیر تصادفی اول	متغیر تصادفی دوم	ضریب همبستگی	سطح معنی داری
میزان هزینه کرد وام دریافتی، در بخش کشاورزی	مبلغ وام پرداختی	۰/۷۸**	۰/۰۰۰
	تعداد دفعات نظارت کارشناسان بانک بر نحوه مصرف وام	۰/۵۸**	۰/۰۰۰
	مدت بازپرداخت وام	۰/۴۷**	۰/۰۰۰
	فاصله روستا تا مرکز شهرستان	۰/۴۶**	۰/۰۰۰
	سطح مالکیت اجرایی	۰/۲۷**	۰/۰۱۰
	سطح کل اراضی تحت مالکیت	۰/۲۷**	۰/۰۰۷
	سطح اراضی آبی زیر کشت	۰/۲۶۶*	۰/۰۱۱
	تعداد مراجعه مروجان به واحد تولیدی پس از دریافت وام از سوی کشاورز	۰/۲۲*	۰/۰۳۴
	متوسط زمین به ازای هر قطعه	۰/۱۸۷	۰/۰۹۶
	سهم کشاورزی از کل سرمایه گذاری اقتصادی کشاورز	۰/۱۷	۰/۱۵
	سهم کشاورزی از کل درآمد	۰/۰۶۸	۰/۵۳
	وابستگی فرد نسبت به کشاورزی	۰/۱۲	۰/۲۳
	نرخ سود	۰/۰۹۲	۰/۳۸
	میزان شکست در استفاده از وام کشاورزی	۰/۰۷۸	۰/۴۶
	سن	۰/۰۲۸	۰/۷۸

** معنی داری در سطح یک درصد * معنی داری در سطح پنج درصد

در ادامه پژوهش، تأثیر تمامی متغیرهای مستقلی که با میزان استفاده از وام کشاورزی در بخش کشاورزی دارای همبستگی معنی دار بودند، در آزمون رگرسیون چندمتغیره با استفاده از

روش گام به گام مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. رابطه خطی بین متغیر وابسته تحقیق و سه متغیر مستقل، در سطح یک درصد معنی‌دار گردید. نتایج آزمون مذکور نشان‌دهنده آن است که متغیرهای «مبلغ وام پرداختی»، «تعداد دفعات نظارت کارشناسان بانک بر نحوه مصرف وام» و «سطح مالکیت اجرایی در سال زراعی ۱۳۸۶-۱۳۸۵» که بیشترین نقش را در تبیین واریانس و تغییرات «میزان استفاده از وام کشاورزی در بخش کشاورزی» داشتند، در مدل نهایی باقی ماندند و بقیه متغیرها از مدل مذکور حذف گردیدند (جدول ۶).

همان‌طور که مشاهده می‌شود هر سه متغیر، تأثیر مثبتی بر روی میزان هزینه‌کرد تسهیلات بانک کشاورزی در بخش تولید داشته‌اند و در مجموع، ۶۰ درصد از تغییرات متغیر وابسته تحقیق «میزان استفاده از وام‌های کشاورزی در بخش کشاورزی» را تبیین کرده‌اند. البته با توجه به مقادیر Beta می‌توان اظهار داشت که متغیرهای تعداد دفعات نظارت کارشناسان بانکی، مبلغ وام پرداختی و سطح مالکیت اجرایی، به ترتیب بیشترین نقش را در تبیین واریانس متغیر وابسته داشتند (جدول ۶).

جدول ۶. متغیرهای تأثیرگذار در معادله رگرسیون چندمتغیره گام به گام (مدل نهایی)

میزان استفاده از وام کشاورزی در بخش کشاورزی							متغیرها
VIF	Tolerance	Sig.	t	Beta	SEB	B	
-	-	۰/۰۴۶	-۲/۰۳		۰/۵۶	-۱/۱۴	عدد ثابت
۱/۴۷	۰/۶۸	۰/۰۰۰	۵/۳۱	۰/۴۶	۰/۲۲	۱/۱۵	دفعات نظارت کارشناسان بانک بر مصرف وام
۱/۰۷	۰/۹۴	۰/۰۰۰	۴/۱۴	۰/۳۰۵	۰/۱۱	۰/۴۵	سطح مالکیت اجرایی در سال زراعی ۱۳۸۶-۱۳۸۵
۱/۵۴	۰/۶۵	۰/۰۰۱	۳/۵۰	۰/۳۱	۰/۰۷۲	۰/۲۵	مبلغ وام پرداختی

$$R^2 = 0/604$$

از سوی دیگر، همان‌طور که نتایج جدول ۶ نشان می‌دهد مقدار شاخص تولرانس در مورد هر سه متغیر مستقل، بیشتر از ۰/۱ بوده و میزان شاخص VIF آنها نیز کمتر از ۱۰ بوده است.

بنابراین هم‌خطی چندگانه وجود ندارد و می‌توان اظهار داشت که ضرایب استاندارد شده هر یک از متغیرهای مستقل مدل رگرسیون، نشان‌دهنده نقش واقعی آنها بوده است. بنابراین در نهایت با استفاده از رابطه (۱) با ضریب اطمینان و اعتبار بالایی می‌توان رفتار کشاورزان شهرستان خوی در زمینه استفاده از اعتبارات کشاورزی در بخش تولید را برآورد کرد.

$$Y = -1/14 + 1/15(X_1) + 0/45(X_2) + 0/25(X_3) \quad \text{رابطه (۱)}$$

میزان استفاده از وام‌های کشاورزی در بخش کشاورزی: Y

X_1 : تعداد دفعات نظارت کارشناسان بانک بر نحوه مصرف وام

X_2 : سطح مالکیت اجرایی در سال زراعی ۱۳۸۶-۱۳۸۵ (هکتار)

X_3 : مبلغ وام پرداختی

بحث و نتیجه‌گیری

واقعیت آن است که بخش کشاورزی در ایران، برخلاف پتانسیل‌های مطلوبی که دارد، به شدت گرفتار کمبود سرمایه در مقایسه با سایر بخش‌های اقتصادی است و اعتبارات رسمی کشاورزی از جمله مهمترین ابزارهای تأمین سرمایه مورد نیاز بخش کشاورزی و بهره‌برداران به شمار می‌آید. با وجود این، همان‌طور که نتایج مطالعه نشان داد، تنها ۳۷/۸ درصد از کشاورزان مورد مطالعه، وام دریافتی را به طور کامل در مسیر کشاورزی هدایت کرده‌اند و ۱۸/۴ درصد از آنان کاملاً دچار انحراف شده و مابقی وام‌ها نیز تا حدودی در این زمینه دچار انحراف گردیده‌اند. بنابراین اعطای وام کشاورزی در شرایط موجود ناتوان از تشکیل سرمایه تولیدی مورد نیاز فعالیت‌های کشاورزی بوده است که این امر معمولاً به دلیل هدایت وام‌های مذکور به امور مصرفی، می‌تواند پیامدهای ناخواسته‌ای همچون افزایش نقدینگی، تورم و افزایش ریسک سرمایه‌گذاری را در برداشته باشد - که مشاهدات عینی پژوهشگران نیز مؤید این موضوع بود. به‌طور کلی نتایج پژوهش حاضر نشان داد که وام‌های اعطا شده دچار چالش‌های عدیده‌ای

هستند. بررسی ویژگی‌های کشاورزان آشکار کرد که مساحت هر قطعه زمین کشاورزان، $1/35$ هکتار بوده و مساحت هر قطعه زمین زیر کشت $90/9$ درصد از کشاورزان، 2 هکتار و کمتر بوده است که نشان‌دهنده خردی شدید اراضی و فراهم نبودن زمینه لازم برای به‌کارگیری سرمایه است. همچنین در ساختار سنی کشاورزان سالخوردگی نسبی مشاهده می‌شود و سطح تحصیلات افرادی که وام گرفته بودند، پایین بود. از سوی دیگر، تنها $13/3$ درصد از کشاورزان وام‌گیرنده وابستگی زیادی به کشاورزی احساس می‌کردند. نگرش $60/8$ درصد آنان به کشاورزی منفی بوده و وابستگی $25/8$ درصد از آنان به کشاورزی در حد متوسطی بوده است. این موضوع برای استفاده صحیح از وام‌های اعطا شده نمی‌تواند بسیار تهدیدآفرین باشد. همچنین تولید $44/8$ درصد از کشاورزانی که اقدام به دریافت وام کرده بودند، در وضعیت اقتصادی بسیار نامطلوب و نامطلوبی بوده و تنها تولید $5/7$ درصد از پاسخگویان وضعیت اقتصادی مطلوبی داشته است.

براساس یافته‌ها، سوگیری وام‌های کشاورزی به سمت تأمین هزینه‌های جاری ($62/5$ درصد) بوده است. از آنجا که این وام‌ها قابلیت جابه‌جایی بالاتری دارند و بیشتر در معرض ابتلا به مخاطرات اخلاقی هستند و نیز نظر به اینکه اصولاً نقشی در افزایش قابل توجه ظرفیت تولید ندارند، بنابراین می‌توان گفت نوع وام‌های اعطایی مناسب نبوده است. از سوی دیگر، تنها سود $9/5$ درصد از وام‌های دریافت شده، تک‌رقمی بوده و متوسط نرخ سودی که از تولیدکننده دریافت شده است، $14/08$ درصد بوده است. این موضوع با توجه به بالا بودن هزینه تولید و نیز ناتوانی تولیدکننده در بازپرداخت بموقع اقساط، سبب گرفتار شدن فرد در تله فقر می‌گردد.

همچنین همان‌طور که یافته‌های تحقیق نشان دادند، بررسی صلاحیت متقاضیان وام‌های کشاورزی، وضعیت بسیار نامناسبی داشت. به عنوان نمونه، $97/5$ درصد کشاورزان بیان داشته‌اند که مدرک تحصیلی آنان به هنگام دریافت وام مورد توجه قرار نگرفته است. از سوی دیگر، تنها توانمندی $5/8$ درصد کشاورزانی که موفق به دریافت وام کشاورزی شده بودند (7 نفر) در زمینه مدیریت تولید از سوی کارگزاران وام مورد بررسی قرار گرفته است. این در حالی

است که مدیریت نظام‌مند و علمی مزرعه یکی از شرایط اولیه برای استفاده مؤثر از وام کشاورزی، به خصوص وام‌هایی است که با منظور و هدف خاصی تخصیص می‌یابند. همچنین با وجود اینکه ۹۸/۳ درصد از کشاورزان ابراز داشته‌اند که توان مدیریت مالی آنان از سوی وام‌دهندگان - با توجه به منظم بودن فرد در بازپرداخت اقساط قبلی و سوابق فرد - مورد توجه قرار گرفته است، ولی این آمار نشان‌دهنده وضع مطلوب نیست. چرا که، منظور از توان مدیریت مالی آن است که کشاورز بتواند از طریق برنامه‌ریزی اقتصادی و تولیدی منسجم، از وام به صورت کارا و بهره‌ور استفاده کند و اقساط وام را با استفاده از درآمد پرداخت کند. به عبارت دیگر ممکن است فرد به راحتی و از طریق قرض، اقساط وام را بموقع بازپرداخت کند و در نزد بانک فرد خوش‌حسابی محسوب گردد، در حالی که فاقد توان مدیریت مالی مزرعه باشد. از سوی دیگر، ۸۷/۴ درصد از بهره‌برداران نیز بدون ارائه طرح پیشنهادی خاص به بانک، وام کشاورزی دریافت کرده‌اند. البته این میزان با توجه به سطح سواد پایین کشاورزان طبیعی می‌رسد. ولی در هر صورت ارائه یک طرح پیشنهادی جامع می‌تواند بیانگر قدرت تجزیه و تحلیل فرد باشد.

۹۵ درصد وام‌گیرندگان نیز تأکید ورزیده‌اند که خصوصیات و ویژگی‌های شخصی آنان از قبیل صداقت، علاقه به فعالیت مورد نظر وام، سطح مهارتی و مانند آن، به طور منسجم و نظام‌مند، مورد توجه و اهمیت کارگزاران وام کشاورزی نبوده است. ۹۳/۲ درصد از افراد نیز تصریح داشته‌اند که کارشناسان بانک به هنگام اعطای وام کشاورزی، هیچ توجهی به عضویت و یا عدم عضویت آنان در تشکل خاص نداشته‌اند. از سوی دیگر، نظارت کارشناسان بانک بر نحوه مصرف وام‌های اعطایی و نیز آموزش کشاورزان نیز بسیار پایین بوده است. همچنین نتایج آزمون مقایسه میانگین t نشان داد که وام‌های سرمایه‌ای کمتر دچار مخاطرات اخلاقی شده‌اند.

نتایج تحلیل رگرسیون نشان داد که متغیرهای «مبلغ وام پرداختی»، «تعداد دفعات نظارت کارشناسان بانک بر نحوه مصرف وام» و «سطح مالکیت اجرایی در سال زراعی ۱۳۸۵-۱۳۸۶»

در مجموع، ۶۰ درصد از تغییرات متغیر وابسته تحقیق «میزان استفاده از وام‌های کشاورزی در بخش کشاورزی» را تبیین کرده‌اند. بنابراین پیشنهاد می‌شود، وام‌های اعطایی، به خصوص با توجه به وضعیت اقتصادی نامناسب تولید کشاورزان، در حدی باشند که بتوانند حمایت مالی کافی از کشاورز به منظور توسعه ظرفیت تولیدی وی به عمل آورند. در همین زمینه، افزایش سهم وام‌های سرمایه‌ای که قابلیت جابه‌جایی اندکی دارند نیز می‌تواند در کاهش مخاطرات اخلاقی و ایجاد ظرفیت‌های تولیدی جدید مؤثر باشد. البته با عنایت به خردی قطعات زمین، پیشنهاد می‌شود وام‌های زراعی یا باغی سرمایه‌ای با مبالغ زیاد، صرفاً به کشاورزانی اعطا شود که زمینه لازم برای استفاده مؤثر از آنها و توسعه ظرفیت‌های خود را دارند. به عبارت دیگر، یکی از مهمترین مواردی که در بررسی صلاحیت متقاضیان این نوع وام‌ها باید مورد توجه قرار گیرد، آن است که آیا فرد امکان توسعه ظرفیت تولیدی خود را با استفاده از وام سرمایه‌ای دارد یا خیر. البته این توصیه به مفهوم غفلت از کشاورزان خرده‌پا (که اغلب بهره‌برداران کشور را تشکیل می‌دهند) نیست. بلکه هم‌سو با گسترش عدالت و فقرزدایی، باید توجه ویژه‌ای به آنها در زمینه اعطای اعتبارات کشاورزی شود. البته اعطای این اعتبارات در صورتی می‌تواند موفق باشد که فضای مناسبی برای استفاده بهره‌ور از آنها ایجاد شود که به نوبه خود در گرو عواملی همچون ارائه مؤثر آموزش‌های مرتبط با وام کشاورزی، فراهم آوردن خدمات و نهاده‌های مورد نیاز برای وام‌گیرندگان، بهبود سوددهی فعالیت‌های تولیدی و مانند اینهاست.

همچنین توصیه می‌شود با توجه به هزینه‌های بالا و سوددهی اندک کشاورزی و به‌منظور کاهش فشار مالی و روانی بر کشاورز در حین بازپرداخت وام، نرخ سود وام‌های مذکور، کاهش یابد. از سوی دیگر، به دلیل تأثیر بسیار مثبت نظارت‌های پس از اعطای وام کشاورزی بر هدایت وام‌های کشاورزی به مسیر تولید و با توجه به قرار داشتن میزان نظارت بر وام‌های ارائه شده در سطح بسیار پایین، پیشنهاد می‌گردد تا کارشناسان بانک، پس از اعطای وام، نظارت‌های دقیق‌تر، واقعی‌تر و بیشتری بر نحوه استفاده از تسهیلات مذکور اعمال کنند. البته مسلماً نمی‌توان فقط با افزایش نظارت و وضع سازوکارهای ارزیابی دقیق، مانع از وقوع مخاطرات

اخلاقی گردید. بلکه مهمتر از این موضوع، ایجاد بستر و فضای مطمئن برای افزایش سرمایه‌گذاری در بخش کشاورزی است، به گونه‌ای که فرد با علاقه و انگیزه شغلی اقدام به تخصیص اعتبارات به امر تولید کند، و نه به اجبار قانون و ناظران. همچنین از آنجا که سطح مالکیت اجرایی در سال زراعی ۱۳۸۶-۱۳۸۵ تأثیر مثبت معنی‌داری بر جلوگیری از ایجاد مخاطرات اخلاقی استفاده از وام‌های کشاورزی داشته است و با توجه به خردی اراضی مورد مطالعه، پیشنهاد می‌شود با یکپارچه‌سازی اراضی و تغییر ساختار اراضی کشاورزی، زمینه را برای جذب سرمایه و اعتبارات فراهم‌تر کرد.

به‌منظور پیشگیری از خروج وام‌های اعطایی از بخش، با توجه به وضعیت نامطلوب موجود، توجه اساسی به احراز صلاحیت متقاضیان، به گونه‌ای عملیاتی و غیرآرمانی بسیار ضروری می‌نماید. به عنوان نمونه در مورد وام‌های سرمایه‌ای و زیربنایی می‌توان با برپایی دوره‌های آموزشی مرتبط، قبل از پرداخت تسهیلات و برقراری ارتباط نزدیک با آنان، صلاحیت‌های آنان را مورد ارزیابی قرار داد. این روند با توجه به اینکه میزان برخورداری وام‌گیرندگان از آموزش‌های مرتبط، قبل و بعد از دریافت وام بسیار پایین بوده است، می‌تواند در رفع نیاز آموزشی و مهارتی کشاورزان نیز بسیار مؤثر واقع گردد. از سوی دیگر، با توجه به ریسک‌پذیری بیشتر کشاورزان دارای سطح تحصیلات بالاتر می‌توان به سطح تحصیلات به عنوان امتیاز مثبت و یکی از ملاک‌های ارزیابی صلاحیت‌های متقاضیان وام نگریست. همچنین از آنجا که میزان بهره‌مندی از خدمات و کالاهای مکمل فعالیت مورد نظر وام‌پایین بوده و تشکل‌های روستایی نیز فاقد نقش مطلوب بوده‌اند، لذا پیشنهاد می‌شود با تقویت تشکل‌های روستایی، خدمات و نهاده‌های مورد نیاز وام‌را بموقع و با طی کمترین فاصله ممکن، برای کشاورزان تأمین کرد. این موضوع به نوبه خود سبب کاهش خروج پول از روستا و سرازیر شدن آن به نواحی شهری شده است و زمینه لازم برای شکوفایی اقتصاد روستایی را فراهم می‌سازد. با توجه به کمتر بودن مخاطرات اخلاقی وام‌های سرمایه‌ای نیز پیشنهاد می‌شود تا حد امکان، سهم این وام‌ها از کل اعتبارات کشاورزی افزایش یابد.

منابع

- ازکیا، مصطفی، ۱۳۸۴، مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی توسعه روستایی، چاپ چهارم، انتشارات اطلاعات، تهران.
- افراشته، حسن، ۱۳۸۲، سیاست اعتباری در بخش کشاورزی، مجموعه مقالات همایش تأمین مالی کشاورزی، تجربه‌ها و درس‌ها، پژوهشکده اقتصاد دانشگاه تربیت مدرس، صص. ۴۰۱-۳۹۱.
- باقری، مهرداد و نجفی، بهاء‌الدین، ۱۳۸۲، بررسی عوامل مؤثر بر عدم بازپرداخت اعتبارات بانک کشاورزی، مجموعه مقالات همایش تأمین مالی کشاورزی، تجربه‌ها و درس‌ها، پژوهشکده اقتصاد دانشگاه تربیت مدرس، صص. ۷۸-۶۱.
- بخشی، محمدرضا، ۱۳۷۸، شناسایی و تعیین نقش عوامل مؤثر بر عملکرد بازپرداخت اعتبارات کشاورزی (مطالعه موردی: شهرستان بیرجند)، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، گروه اقتصاد کشاورزی، دانشگاه تهران.
- رشیدی، داریوش و منصوری، بهمن، ۱۳۸۴، خدمات مالی روستایی خرد، گامی اساسی برای فقرزدایی «ارائه طرح پشتیبانی خدمات مالی خرد روستا»، مجموعه مقالات سمینار اعتبارات خرد توسعه روستایی و فقرزدایی، مرکز تحقیقات اقتصادی بانک کشاورزی، صص. ۲۰۴-۱۹۳.
- زیبایی، منصور، ۱۳۸۲، تعیین بازده سرمایه‌گذاری در زمینه نصب سیستم‌های آبیاری تحت فشار در استان فارس، مجموعه مقالات همایش تأمین مالی کشاورزی، تجربه‌ها و درس‌ها، پژوهشکده اقتصاد دانشگاه تربیت مدرس، صص. ۱۷۲-۱۵۰.
- صدر، کاظم، ۱۳۸۲، اندازه‌گیری اثر اعتبارات بر ارزش افزوده بخش کشاورزی، مجموعه مقالات همایش تأمین مالی کشاورزی، تجربه‌ها و درس‌ها، پژوهشکده اقتصاد دانشگاه تربیت مدرس، صص. ۳۶-۲۳.
- عمید، جواد، ۱۹۹۰، کشاورزی، فقر و اصلاحات ارضی در ایران، ترجمه امینی‌نژاد، سید رامین، ۱۳۸۱، چاپ اول، نشر نی، تهران.
- کریم‌کشته، محمد حسین و همکاران، ۱۳۸۳، بررسی وضعیت توزیع اعتبارات کشاورزی و ویژگی‌های دریافت‌کنندگان اعتبارات در استان سیستان و بلوچستان، فصلنامه پژوهشی بانک و کشاورزی، شماره ششم دوره جدید، صص. ۱۱۲-۸۹.

- Ang, James B. 2008, **What Are the Mechanisms Linking Financial Development and Economic Growth in Malaysia?** Economic Modelling 25, pp. 38–53.
- Bryant, K., 2001, **ALEES: An Agricultural Loan Evaluation Expert System**, Expert Systems with Applications. 21 (2), pp. 75-85.
- Giné, X., 2010, **Access to Capital in Rural Thailand: An Estimated Model of Formal vs. Informal Credit.**, J. Dev. Econ., doi: 10.1016/j.jdevco.2010.07.001.
- Kashuliza, A.K. 1992, **Agricultural credit in Tanzania: The Policy and Operational Problems of the Cooperative and Rural Development Bank**, Savings and Development, Vol. XX (3), pp. 327-352.
- Khandker, S.R. and Faruqee, R.R., 2003, **The Impact of Farm Credit in Pakistan**, Agricultural Economics 28, pp. 197–213.
- Matin, I., 1997, **Repayment Performance of Grameen Bank Borrowers: The Unzipped' State**, Savings and Development, 4, pp. 451–473.
- Mel, S.D., McKenzie D. and Woodruff C., 2007, **Returns to Capital in Micro Enterprises: Evidence from a Field Experiment**, World Bank Policy Research Working Paper 4230.
- Osborne, T., 2006, **Credit and Risk in Rural Developing Economies**, Journal of Economic Dynamics & Control 30, pp. 541 – 568.
- Swinnen, J.F.M. and Gow, H.R., 1999, **Agricultural Credit Problems and Policies During; The Transition to a Market Economy in Central and Eastern Europe**. Food Policy, 24, pp. 21–47.
- Von Pischke, J.D., Yaron, J. and Zander, R. M. 1998, **Why Credit Project Repayment Performance Declines**, Savings and Development, Vol. XXII (2), pp. 149-180.